



«حلقات»

درس 19

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای عطایی

در درس گذشته، حجّیت خبر ثقه از دو راه سیره متشرعه و سیره عقلائیّه به اثبات رسید. همان طور که می‌دانیم، استدلال به سیره، یک استدلال تمام است که در صورت عدم ردع شارع، تأیید و امضای شارع را به همراه دارد و اثبات کننده سنت است.

حال در این درس می‌خواهیم اشکالی را بررسی کنیم که در برابر استدلال به سیره برای حجّیت خبر واحد گفته شده است. ادعای مستشکلین این است که سیره‌های مورد ادعا، همگی به واسطه آیات قرآنی مورد نهی و ردع قرار گرفته‌اند و مورد تأیید شارع نمی‌باشند.

در رد این اشکال، پاسخ‌های متعددی ارائه شده است که در این درس، پس از تبیین اشکال، پاسخ یکی از اصولیون متأخر به این اشکال مطرح می‌گردد.

متن درس

و الفارق بين التقريبين ان التقريب الأول يتكفل بمؤنة إثبات جرى أصحاب الأئمة فعلا على العمل بخبر الثقة، بينما التقريب الثاني لا يدعى ذلك، بل يكتفى بإثبات الميل العقلائي العام إلى العمل بخبر الثقة الأمر الذي يفرض على الشارع الردع عنه - على فرض عدم الحجية - لئلا يتسرب هذا الميل إلى مجال الشرعيات.

و هناك اعتراض يواجه الاستدلال بالسيرة، و هو ان السيرة مردوع عنها بالآيات الناهية عن العمل بالظن الشاملة بإطلاقها لخبر الواحد.

و توجد عدة أجوبة على هذا الاعتراض:

الجواب الأول: ما ذكره المحقق النائيني - رحمه الله - من ان السيرة حاکمة على تلك الآيات لأنها تخرج خبر الثقة عن الظن، و تجعله علماً بناءً على مسلك جعل الطريقية في تفسير الحجية.

استدلال به سیره برای اثبات حجیت خبر واحد از دو طریق امکان‌پذیر است:

۱. استدلال به سیره متشرعه:

۲. استدلال به سیره عقلائی.

تفاوت بین استدلال به سیره متشرعه با استدلال به سیره عقلائی : در استدلال به سیره متشرعه، لازم است که تحقق یافتن سیره رجوع به خبر ثقه را در بین متشرعین عصر معصومین اثبات کنیم؛ بنابراین به تحقیق و تفحص نیاز داریم تا به واسطه آن، فعلیت سیره ادعا شده را کشف کنیم.

اما در استدلال به سیره عقلائی به مؤونه کمتری نیاز داریم؛ زیرا در استدلال به این سیره نیازی به اثبات فعلیت یافتن سیره رجوع به ثقه در بین عقلا نداریم، بلکه صرفاً کشف میل همگانی عقلا در رجوع به خبر ثقه نیز کافی است؛ چرا که صرف وجود چنین میلی کافی است تا اگر شارع آن را با اغراض خود سازگار نمی بیند در صدد ردع و نهی آن در وادی شریعت برآید، زیرا در غیر این صورت این گرایش عمومی به حوزه شریعت نیز نفوذ خواهد کرد. بنابراین اگر شارع با وجود علم به چنین میل و گرایشی عقلا را از آن ردع نکند نشان از تأیید او دارد.

Sco1: 11:22

اشکال بر استدلال به سیره برای اثبات حجیت خبر واحد

اشکال: سیره‌های مذکور در استدلال، همه به واسطه آیات قرآن مورد ردع و نهی قرار گرفته است.

توضیح : خبر واحدی که از ثقه نقل شده، یک خبر ظنی است و علم آور نمی‌باشد و اعتماد متشرعه و یا عقلا به خبر ثقه در واقع اعتماد و عمل بر طبق یک ظن خاص است؛ در حالی که تعدادی از آیات قرآن، تبعیت از ظنون را رد کرده است و از آنجا که ظن منع شده در این آیات، مطلق است، شامل همه ظنون (که ظن حاصل از خبر ثقه هم جزئی از آنهاست) می‌شود. بنابراین سیره‌های مذکور، بر خلاف آیات قرآنی شکل گرفته‌اند و آیات قرآنی آنها را تأیید نمی‌کنند.

نمونه ای از آیات ناهیه : «إِنَّ الظَّنَّ لَا يَغْنَىٰ مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا»

نتیجه: شارع مقدس از تبعیت سیره عقلا در اعتماد به ثقه در حوزه شریعت نهی کرده و به همین دلیل، این سیره‌ها حتی در صورت وجود و تحقق نیز، قابلیت استدلال برای حجیت خبر واحد را ندارند.

Sco2 : 16: 41

جواب اول از اشکال: پاسخ محقق نائینی (ره)

پاسخ: سیره، حاکم بر آیات است؛ بنابراین دامنه ظن نهی شده در آیات را ضیق کرده و خبر ثقه را از شمول آن خارج می‌کند.

توضیح: برای توضیح پاسخ محقق نائینی (ره)، ناگزیر از دو مقدمه هستیم:

مقدمه اول: برای تفسیر حجیت امارات، دو مسلک در بین علمای اصول وجود دارد: مسلک سببیت و مسلک طریقیّت. بسیاری از علمای اصول، از جمله محقق نائینی (ره) قائل به مسلک طریقیّت می‌باشند. علاوه بر اینکه ایشان هر اماره ظنی که شرعاً حجت می‌شود را تعبداً علم تلقی می‌کنند. پاسخ محقق نائینی از اشکال مزبور، مبتنی بر پذیرش این نظریه می‌باشد.^۱

مقدمه دوم: هر گاه رابطه بین دو دلیل به گونه‌ای باشد که یکی از آنها به شکل تعبدی و نه حقیقی، بخشی از مصادیق موضوع دلیل دیگر را از حیطه آن خارج کند (تضییق) و یا مصادیقی را از خارج، بر موضوع حکم بیفزاید (توسعه)، رابطه بین این دو دلیل، رابطه «حاکم و محکوم» خواهد بود. به دلیلی که موضوع دلیل دیگر را در جهت توسعه یا تضییق، تفسیر می‌کند، دلیل حاکم و به دلیلی که موضوعش به واسطه تفسیر دلیل حاکم، توسعه یا تضییق یافته، دلیل محکوم گفته می‌شود.^۲

توضیح و تفصیل پاسخ محقق نائینی (ره)

پاسخ محقق نائینی (ره) را در پنج مرحله می‌توان توضیح داد:

۱. سیره مورد ادعا، بر حجیت ظن حاصل از خبر ثقه دلالت دارد، اما آیات قرآنی بر عدم حجیت ظن حاصل از خبر ثقه دلالت دارد؛ بنابراین یک تعارض ابتدایی شکل می‌گیرد.

۲. از آنجا که یکی از دو دلیل بر دیگری حکوم ت دارد و رابطه حاکم و محکوم بین آن دو برقرار است، این تعارض ابتدایی قابل رفع است و دو دلیل با یکدیگر جمع می‌شوند.

^۱ . ر.ک: آیت الله مشکینی، اصطلاحات الاصول، ص ۱۳۸.

^۲ . همان، ص ۱۲۶.

۳. دلیل سیره، حاکم بر دلیل آیات است؛ به این معنا که موضوع نهی شده توسط آیات، به وسیله دلیل سیره، تفسیر و تبیین خواهد شد.

۴. بر اساس مفاد دلیل سیره، ظن حاصل از خبر ثقه حجت می باشد. این مفاد بر اساس مسلک طریقیّت این گونه تبیین می شود که ظن حاصل از خبر ثقه، تعبداً علم است و حکم علم را خواهد داشت.

۵. مفاد دلیل سیره باعث خواهد شد که ظن نهی شده در آیات، شامل ظن حاصل از خبر ثقه نشود؛ زیرا به واسطه سیره، موضوع نهی شده در آیات، ضیق شده و فقط شامل ظنون حاصل از غیر خبر ثقه می شود. تضییق وارد شده بر موضوع آیات توسط سیره، همان حکومت دلیل سیره بر آیات قرآن است.

Sco3: 24:23

۱. مستشکلین به ادله حجّیت خبر واحد بر اساس سیره، معتقدند که: سیره‌های مذکور همگی به واسطهٔ آیاتی که از عمل به ظن نهی می‌کنند، مورد ردع قرار گرفته‌اند.

۲. محقق نایینی (ره) در پاسخ به اشکال فوق، می‌گوید: سیره‌های مذکور، حاکم بر آیات نهی کننده از ظنون می‌باشند.

۳. حکومت مفاد سیره‌های مورد ادعا، بر آیات قرآنی به این معناست که بر اساس آنچه که از سیره‌ها به دست می‌آید، ظن نهی شده توسط آیات قرآنی شامل خبر ثقه نمی‌شود؛ چراکه سیره، موضوع نهی شده توسط آیات را تضییق کرده و خبر ثقه را از شمول آن خارج کرده است.

۴. پاسخ محقق نایینی (ره)، مبتنی بر پذیرش مسلک جعل طریقت در تفسیر حجّیت امارات می باشد. طبق این مسلک، ظنونی که دلیل شرعی بر حجّیت آنها اقامه شده باشد، تعبداً به منزله علم تلقی شده و احکام ظنون غیر معتبر شامل آنها نمی‌شود.